

درآمدی بر تاریخ پژوهی

(با اصلاحات)

مایکل استنفورد

ترجمه

دکتر مسعود صادقی

تهران

۱۳۸۶

پیام پژوهش

پژوهش و تحقیق جان‌مایه هر متن ماندگار و اصیل است و توجه به آن اصلی است بنیادین در اساسنامه همه مراکز پژوهشی، در ساختار سازمان «سمت» نیز که برگرفته از حروف آغازین «سازمان مطالعه و تدوین» است منظور از مطالعه همان تحقیق است. اما برای آنکه این بخش نمودارتر و چشمگیرتر و فعال‌تر گردد، سازمان در سال ۱۳۸۲ بر آن شد تا با تأسیس «مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی» زمینه مساعدتری فراهم آورد تا پژوهشگران با آزادی بیشتری بتوانند با اجرای طرح‌های پژوهشی بنیادین و تدوین کتب مبنایی و کمک‌درسی بر غنای منابع دانشگاهی و آثار مورد نیاز جامعه علمی بیفزایند.

اثر پیش‌روی با نام «درآمدی بر تاریخ پژوهشی» حاصل کار مشترک گروه تاریخ مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» و معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) است که برای استفاده دانشگاهیان و پژوهشگران تاریخ و سایر علاقه‌مندان تدوین شده است.

از ارباب‌نظر خواستاریم برای بهبود این اثر و آثار بعدی در این زمینه با بیان کاستیها و طرح پیشنهادها ما را در این مسیر خطیر یاری دهند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۹	مقدمه نویسنده
۱۵	تاریخ‌نگاری
۱۸	جنسیت و تاریخ
۲۰	استفاده از این کتاب
۲۰	یادداشتها
۲۳	فصل اول: وحدت تاریخ
۲۳	مقدمه
۲۵	الف) تجربه - یا دغدغه تاریخ
۳۱	ب) زمان و تغییر - یا ذات تاریخ
۳۴	ج) انباشت - یا سرجمع تاریخ
۳۶	د) فرایند - یا سیر تاریخ
۴۰	نتیجه
۴۱	یادداشتها
۴۲	منابعی برای مطالعات بیشتر
۴۳	فصل دوم: کنش در تاریخ
۴۳	مقدمه
۴۴	الف) تحلیل کنش
۵۱	ب) بافتها، زمینه‌ها و پیامدهای کنش

صفحه	عنوان
۶۳	ج) استفاده و سوءاستفاده از تاریخ
۸۰	نتیجه
۸۱	یادداشتها
۸۲	منابعی برای مطالعات بیشتر
۸۳	فصل سوم: نگرش به تاریخ
۸۴	مقدمه
۸۵	الف) نگرشهای خصوصی به تاریخ
۹۱	ب) نگرشهای عمومی به تاریخ
۱۰۶	ج) تاریخ و علوم اجتماعی
۱۲۸	نتیجه
۱۲۹	یادداشتها
۱۳۰	منابعی برای مطالعات بیشتر
۱۳۱	فصل چهارم: گفتار در تاریخ
۱۳۱	مقدمه
۱۳۲	الف) ارتباط
۱۴۴	ب) روایت
۱۶۶	ج) تاریخ غیرروایی
۱۷۲	د) موضوعات مربوط دیگر
۱۷۳	نتیجه
۱۷۴	یادداشتها
۱۷۵	منابعی برای مطالعات بیشتر
۱۷۶	فصل پنجم: معرفت در تاریخ
۱۷۶	مقدمه

۱۷۷	الف) معرفت تاریخی چیست؟
۱۹۱	ب) ساخت یا بازسازی
۱۹۵	ج) امر واقع، صدق و عینیت؟
۲۰۸	د) موضوع مربوط دیگر: تخیل
۲۰۹	نتیجه
۲۱۰	یادداشتها
۲۱۰	منابعی برای مطالعات بیشتر
۲۱۱	فصل ششم: تاریخ و آثار باقیه
۲۱۱	مقدمه
۲۱۳	الف) مفهوم شاهد
۲۲۲	ب) ماهیت شواهد تاریخی
۲۳۲	ج) کاربرد شواهد تاریخی
۲۵۱	د) خاستگاههای شواهد
۲۵۶	ه) موضوع مربوط دیگر: تاریخ شفاهی
۲۵۹	نتیجه
۲۵۹	یادداشتها
۲۶۰	منابعی برای مطالعات بیشتر
۲۶۲	فصل هفتم: رویداد در تاریخ
۲۶۲	مقدمه
۲۶۴	الف) رویداد چیست؟
۲۷۴	ب) شکلها و ساختارهای تاریخ
۲۸۴	ج) زمان
۲۹۹	نتیجه
۳۰۰	یادداشتها
۳۰۱	منابعی برای مطالعات بیشتر

۳۰۲	فصل هشتم: توالی در تاریخ
۳۰۲	مقدمه
۳۰۴	الف) علّیت در تاریخ
۳۱۸	ب) دینامیسم تاریخ
۳۲۷	ج) تبیین
۳۵۱	د) دیگر موضوعات مربوط
۳۵۱	نتیجه
۳۵۲	یادداشتها
۳۵۳	منابعی برای مطالعات بیشتر
۳۵۵	فصل نهم: نظریه در تاریخ
۳۵۵	مقدمه
۳۵۷	الف) فلسفه نظری تاریخ
۳۷۳	ب) الگوها در تاریخ
۳۸۱	نتیجه
۳۸۱	یادداشتها
۳۸۳	منابعی برای مطالعات بیشتر
۳۸۴	فصل دهم: فراتر از تاریخ: متافیزیک، مارکس، اسطوره و معنا
۳۸۴	مقدمه
۳۸۶	الف) متافیزیک: تاریخ گرایی، پوزیتیویسم و ایدئالیسم
۴۰۶	ب) مارکس
۴۲۱	ج) اسطوره و حقیقت
۴۲۹	د) معنا
۴۳۶	ه) دیگر موضوعات مربوط
۴۳۷	نتیجه

صفحه	عنوان
۴۳۸	یادداشتها
۴۳۹	منابعی برای مطالعات بیشتر
۴۴۰	واژه‌نامه (فارسی به انگلیسی)
۴۴۳	واژه‌نامه (انگلیسی به فارسی)
۴۴۶	کتابنامه
۴۶۱	فهرست راهنمای نام اشخاص

مقدمه مترجم

مجموعه مباحث و پژوهشهای مربوط به تاریخ را می توان تاریخ پژوهی نام نهاد. این مباحث و پژوهشها به سه بخش عمده تقسیم می شوند:

۱. فلسفه تاریخ که شامل دو شاخه می شود:

الف) فلسفه نظری تاریخ (که گاهی آن را نظریه یا مابعدالطبیعه تاریخ می نامند و از الهیات تاریخ متمایز می سازند).

ب) فلسفه نقدی تاریخ (که می توان آن را معرفت شناسی تاریخ خواند).

۲. روش شناسی تاریخ.

۳. تاریخ نگاری که شامل سه شاخه می شود:

الف) تاریخ نگاری توصیفی،

ب) تاریخ نگاری تاریخی یا تاریخ نگاری،

ج) تاریخ نگاری تحلیلی.

۱. فلسفه تاریخ

فلسفه تاریخ عنوانی است که بر دو نوع پژوهش کاملاً متفاوت از هم، هرچند نه کاملاً بی ارتباط با هم، اطلاق می شود. این تفاوت را از سویی، ناشی از دو معنای واژه تاریخ می دانند و به تبع آن و از سوی دیگر، ناشی از دو معنایی که واژه فلسفه در این عبارت پیدا می کند. یک معنای تاریخ رویدادهای گذشته است؛ فلسفه تاریخ در این معنا را اصطلاحاً فلسفه نظری یا مادی و یا محتوایی تاریخ می نامند. معنای دیگر تاریخ، مطالعه و پژوهش رویدادهای گذشته است؛ فلسفه تاریخ در این معنا را فلسفه نقدی یا صوری و یا تحلیلی تاریخ می خوانند. تفکیک بین معرفت مرتبه اول

دوم تا اندازه‌ای تفاوت این دو فلسفه را روشن می‌سازد. معرفت مرتبه اول معرفتی است که موضوع آن رشته‌ای خاص نیست یا به عبارتی، مسائل آن مسائل ناظر به اعیان‌اند (اعم از اعیان طبیعی و اعمال انسانی که به عنوان عین در نظر گرفته شوند). معرفت مرتبه دوم معرفتی است که موضوع آن رشته‌ای خاص است. فلسفه نظری تاریخ، اگرچه فلسفه مضاف است، اما معرفت مرتبه اول است و از این رو در عرض تاریخ در معنای دوم آن - مطالعه و پژوهش رویدادهای گذشته، یعنی رشته تاریخ - قرار می‌گیرد. فلسفه نقدی تاریخ فلسفه مضافی است که معرفت مرتبه دوم است، یعنی ناظر به رشته تاریخ است. سنخ مسائل فلسفه نقدی تاریخ، مفهومی و معرفت‌شناختی است؛ از این رو فلسفه نقدی تاریخ را باید معرفت‌شناسی به معنای خاص آن، یعنی معرفت‌شناسی تاریخ دانست. تمایز این دو رویکرد به فلسفه تاریخ را ملاحظه اهداف متفاوتی که متعاطیان آن دنبال و انواع مختلف مسائلی که مطرح می‌کنند روشن تر می‌سازد.

هدف فیلسوف نظری تاریخ این است که در رویدادهای گذشته الگو یا معنایی کلی کشف کند که ورای حوزه کار متعارف مورخ قرار دارد.^۱ پاره‌ای از مسائلی که وی طرح می‌کند از این قرارند: آیا رویدادهای گذشته نظم عقلانی و طرحی منسجم را آشکار می‌کنند یا چیزی جز ترتیب و تعاقب صرف رویدادها نیستند؟ آیا تاریخ در خط سیر معینی حرکت می‌کند یا در ادوار متوالی تکرار می‌شود و یا فاقد نظم و شکل است؟ اگر در خط سیر معینی حرکت می‌کند آیا این سیر فقه‌رایی است یا حاکی از پیشرفت نوع انسان؟ آیا نیروهایی بیرون از ضبط و مهار انسانها جهت و سیر تاریخ را تعیین می‌کنند؟ آیا بر سیر تاریخ «قوانینی» حاکم است؟ آیا از جریان تاریخ می‌توان چیزی آموخت یا موقعیتی یگانه و منحصر به فرد است؟ این مسائل نیز به نوبه خود مسائل فرعی دیگری در باب تقدیر و مشیت، سرشت انسان و غیره پدید می‌آورد.^۲

هدف فیلسوف نقدی تاریخ این است که مفاهیم و مفروضات اساسی‌ای را

1. Dray, William (1993), *Philosophy of History*, 2nd ed., Englewood Cliffs, Prentice-Hall Inc., p. 1.

2. Lemon, M. C. (2003), *Philosophy of History*, Routledge, p. 9.

که مورخان در چهارچوب آنها تحقیقاتشان را پیش می‌برند ایضاح و در صورت لزوم نقد کند. این مفاهیم و مفروضات تصورات تقریباً روزمره، اما غالباً مسئله‌ساز مثل واقعیت، رویداد، تفسیر، فهم، تبیین، علت، دلیل، احتمال، معنا و اهمیت، روایت، دوره، فرایند و مانند آن را دربرمی‌گیرد. البته بررسی این تصور ممکن است به ملاحظه خصلت کلی موضوع مورد مطالعه مورخ بینجامد، مثلاً ممکن است مسائلی پدید آورد در باب سرشت انسان یا معنای زمانمندی یا ارتباط با واقع یا در باب مشروعیت مفروض گرفتنِ موجبیت‌گرایی یا کل‌گرایی و یا طبیعت‌گرایی در تفسیر آثار برجای مانده از گذشته. آنچه فلاسفه نقدی تاریخ در نهایت درصدد انجام دادن آن هستند این است که جای تاریخ را در نقشه معرفت مشخص سازند و دیدگاهی رضایت‌بخش در باب پژوهش تاریخی را با نظریه‌ای عام درباره معرفت انسان تلفیق کنند، کاری که تعداد اندکی از معرفت‌شناسان گذشته برای انجام دادن آن به طور جدی تلاش کرده‌اند.¹ پاره‌ای از مسائلی که متعاطیان فلسفه نقدی تاریخ درصدد پاسخگویی به آن برآمده‌اند از این قرارند: چه نوع تبیینی در پژوهشهای تاریخی لازم یا مورد قبول است؛ به عبارتی، تبیین در تاریخ واجد چه نوع خصایص صوری یا ساختاری منطقی‌ای باید باشد؟ آیا روایت، ابزار رضایت‌بخش برای معرفت تاریخی است؟ آیا مورخان برای تبیین و فهم، تلویحاً به قوانین خاصی درباره رفتار انسان تکیه می‌کنند؟ مورخان چه چیزی را شاهد و مدرک تلقی می‌کنند؟ گزارشهای تاریخی تا چه اندازه از صدق عینی برخوردار است، یعنی فارغ از ارزش است یا می‌تواند باشد؟ آیا وظیفه مورخ است که درباره شخصیت‌های مورد مطالعه‌اش داوری اخلاقی کند؟ و غیره.

خاستگاههای فلسفه نظری تاریخ را می‌توان در نظریه‌های چرخه‌ای یا ادواری دنیای باستان و در اعتقاد یهودی - مسیحی در باب خلقت و هبوط و رستگاری در کتاب مقدس و شرح و بسط‌های آن در آثار برخی از متفکران مسیحی قرون وسطا مانند شهر خدا/ اثر قدیس اگوستین، و نظریه‌های عصر جدید، مانند گفتار در باب

1. Dray, William (1997), "Philosophy and Historiography", in Michael Bentley (ed.) *Companion to Historiography*, London: Routledge, p. 765.